

۱۶۳۶۱۱ع  
کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم

# هدیه آکا بار

به قلم زیبای  
آگ ماندینو  
و بادی کی

ترجمه فریاد مه‌وای دامغانی

جایزه بین‌المللی ترجمه مناسیجه ۲۰۰۳ از ایتالیا  
نشان افتخار طلای ۲۰۰۳ از شهر راونا و ۲۰۰۴ از شهر فلورانس  
شهروند افتخاری راونا در سال ۱۴۰۵  
نشان لیاقت «گمن داتره» از ریاست جمهوری ایتالیا ۲۰۰۷  
جایزه بهترین مترجم جشنواره فارابی ۱۳۹۱

نشر فردوس

شهریور ۱۳۹۷

|                      |                                                                     |
|----------------------|---------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | : ماندینو، آگ                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور: | هدیه آکابار / به قلم آگ ماندینو، بادی کی؛ ترجمه فریده مهدوی دامغانی |
| مشخصات نشر           | : تهران: فردوس: ۱۳۹۷.                                               |
| مشخصات ظاهری         | : ۲۵۶ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.                                           |
| شابک                 | : ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۵۹۸-۰۰                                                |
| وضعیت فهرست نویسی:   | فیبیا                                                               |
| یادداشت              | : عنوان اصلی. The gift of Acabar                                    |
| موضوع                | : داستان های آمریکایی - قرن ۲۰ م.                                   |
| موضوع                | : American fiction—۲۰ th century                                    |
| شناسه افزوده         | : کی، بادی، ۱۹۱۸-۲۰۰۲ م                                             |
| شناسه افزوده         | : kaye, Buddy                                                       |
| شنا به افزوده        | : مهدوی دامغانی، فریده، ۱۳۴۲ - مترجم                                |
| شناسه افزوده         | : Mahdavi Damghani, Farideh                                         |
| رده بندی کنگره       | : PS ۳۵۶۹ / ۴۰۴ ۱۳۹۷                                                |
| رده بندی دیویی       | : ۸۱۳ / ۵۴                                                          |
| شماره کتابخانه ملی   | : ۵۳۹۲۶۶۱                                                           |



نشر فرهنگ روز



انتشارات فردوس

خیابان دانشگاه، کوچه میترا، شماره ۷، واحد ۱. تهن: ۶۶۴۱۸۸۳۹-۶۶۴۶۹۳۳۸

## هدیه آکابار

آگ ماندینو

مترجم: فریده مهدوی دامغانی

ناشر: فردوس

ویرایشگر: زهرا یاسینیان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۵۹۸-۰۰ ISBN: 978-964-320-593-0

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان



## پیشگفتار

مردم آن قوم، همواره عادت به راه‌پیمایی و شکار در دشت بیکرانی داشتند که بیش از دویست هزار کیلومتر مربع مساحت داشت و اساساً به عنوان منطقه‌ای غیرمسکون و وحشی محسوب می‌شد.

مکانی که امروزه، با نام «کیلند»<sup>۱</sup> معروف است.

آن‌ها حتی پیش از دوران روم و رومولیوس<sup>۲</sup> افسانه‌ای می‌زیستند: پیش از آن که آن دو قهرمان، شهر معروف «باستانی»<sup>۳</sup> را بنا نهند؛ حتی پیش از آن که همره<sup>۴</sup>، آن شاعر بزرگ یونان باستان، «ما»<sup>۵</sup> جاودانه «ایلیاد»<sup>۶</sup> را نگاشته باشد؛ حتی پیش از آن که قوم بنی اسرائیل، وارد دشت وسیع و بیکران

---

۱- Lapland نام شمالی‌ترین قسمت از سرزمین فنلاند می‌باشد که در غرب کشور سوئد واقع است. این منطقه در شمال و غرب نیز در مرز کشور نروژ واقع است و در سمت شرق، با کشور رومینه هم‌مرز است. سه رود بزرگ در این منطقه جاری است: تانا، مونونیو و گرن. بزرگ‌ترین دریاچه این منطقه نیز ایناری نام دارد که ۱/۱۰۲ کیلومتر مربع مساحت دارد. مترجم

۲- Remus نام دو برادر دوقلو که به وسیله شاه آمولیوس در کنار رود تیبر رها شدند تا از گرسنگی جان سپارند. خدای رود مزبور آن دو نوزاد را نجات داد و آن دو به وسیله ماده گرگی رشد و پرورش یافتند. در نهایت، چوپانی آن‌ها را بزرگ کرد و با گذشت زمان، آن‌ها به رهبران مقتدری مبدل گشتند و شهر رم را بنا نهادند.

۳- Homer

۴- Rome

۵- Romulus

۶- Illiad



کنعان شوند؛ حتی پیش از بنا شدن « استن هنج »<sup>۱</sup>، در سرزمین بریتانیای باستان؛ حتی بسیار پیشتر از آن که نقاشی‌هایی که امروزه، به عنوان نقاشی‌های دیواری « تاسیلی »<sup>۲</sup> معروف است و درون غارهایی در سرزمین الجزایر<sup>۳</sup> قابل رؤیت است، ترسیم شود؛ حتی پیش از آن که بنای هِرمِ عظیم مصرستان، برای فرعونى به نام خوفو<sup>۴</sup> تکمیل شود؛ حتی بسیار پیشتر از زمانی که « نهر بزرگ نصر »<sup>۵</sup> « باغ‌های مرتفعه » خود را در بابل بیافریند؛ حتی پیش از آن که « شاه ادرگتاما بودا »<sup>۶</sup> به موعظه کردن این آن و آن، در سرزمین وسیع هندوستان اقدام و وارد...

آری، آن‌ها پیش از تمام این وقایع مهم تاریخ بشری، در آن منطقه حضور داشتند. جهانیان، این افراد را به نام « مردمان سرزمین « لپ »<sup>۷</sup> می‌شناسند.

اما آن‌ها خودشان، نام « سمه »<sup>۸</sup> را بر خود نهاده‌اند و تنها سی و پنج هزار نفر از آنان، در دهکده‌هایی منزوی و دور افتاده یا در کاهه‌هایی جنگلی، در سرتاسر مناطق شمالی کشورهای نروژ<sup>۹</sup>، سوئد<sup>۱۰</sup>، فنلاند<sup>۱۱</sup> و روسیه<sup>۱۲</sup> اقامت دارند. آن‌ها با نهایت شهامت و شجاعت و صبر و شکیبایی، با سرزمین‌ترین و خشن‌ترین آب و هواهای ممکن در آن مناطق سردسیر سازش کردند.

به همان اندازه نیز، با نهایت محبت و عشق و شفقت، به اعضای خانواده

|                    |                    |                |
|--------------------|--------------------|----------------|
| Algeria - ۳        | Tassili - ۲        | Stonehenge - ۱ |
| Gautama Buddha - ۶ | Nebuchadnezzar - ۵ | Khufu - ۴      |
| Norway - ۹         | Same People - ۸    | Lapps - ۷      |
| Russia - ۱۲        | Finland - ۱۱       | Sweden - ۱۰    |



خود رسیدگی کردند و هنر زیستن و تکیه داشتن بر خویشان را به فرزندان خود آموزش دادند. و طبعاً، صبر را بر هر چیز دیگری ارجح می‌دانستند.

بدانسان نیز، آن‌ها هرگز هیچ سرزمین یا میهن یا منطقه‌ای که آن‌ها بتوانند آن را از آن خود بدانند، نداشته‌اند؛ و هرگز هیچ نوع همیاری و امدادی را از سوی هیچ یک از دولت‌های کشورهای اطرافشان نپذیرفتند.

آری، درست است که تعدادشان زیاد نیست، اما قلبشان بس بزرگ است! هیچ غریبه‌ای در مرگ‌ها، در خانه‌های آن‌ها رانده نشده است و هرگز هیچ یک از آن‌ها، در خانه‌اش را به روی کسی قفل نکرده است!

چیزهایی به مانند ارتکاب به جرم یا متارکه و طلاق، در قاموس زندگی آن‌ها وجود ندارد، مگر آن چه را که در روزنامه‌های محلی می‌خوانند یا از طریق اخبار رادیویی می‌شنوند.

به راستی که قوم لب موجب افتخار و شکوه بسیار بوده‌اند و این وضعیت، همچنان پس از هشت هزار سال از زمان حضورشان در روی زمین به طول انجامیده است و پایدار باقی مانده است!

با این حال، کم‌ترین میزان اطلاعات عمومی درباره آن‌ها در دست است و در کل سیاره زمین، آن‌ها تنها قومی هستند که هیچ کسی، چیز زیادی درباره آن‌ها ندانسته است و هنوز هم نمی‌داند.

جای تردید نیست که در دوره‌های اسرارآمیز و مرموز ابدیتی بیکران که



همچنان تداوم دارد، لحظه شکوه و افتخار آن‌ها، مدت‌های مدیدی است که دیگر از میان رفته است؛ و لذا، ماجرای این داستان، دهان به دهان گشت و طبق معمول گفته شد که «یکی بود و یکی نبود»...

اما این داستان، آن قدرها هم به دورانِ بسیار دور گذشته تعلق ندارد و تا نداننِ زیادی معاصر است.

آری، در مکه، کوچک و کم جمعیتی در میان مردم لُب، در نقطه‌ای دور دست، در سیاحت یافتنی در شمالی‌ترین مدارِ شمالگان، روزی، معجزه‌ای روی داد.

آری! کاش جهانیان و دینی‌رایی، از آن معجزه آگاهی می‌یافتند!

